

گفت‌وگویی
صبا با پویان
مکری بازیگر فیلم
سینمایی
«چای سرد»

تجربه‌های

تلخ

وانسانی

از تنهایی و

اسارت



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
گرافیک و صفحه‌آرا: سعید غفوری

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی خراسان
توزیع: نشر گستر امروز

چه چیزی سبب شد که حضور در این پروژه را بپذیرید.
اولین چیزی که باعث شد ترغیب شوم، خود آقای راضی بودند. من پیش از خواندن فیلم نامه، ایشان را دیدم، نقش را برایم تعریف کردند و من همان موقع قبول کردم. شخصیت خود آقای راضی برایم جذاب بود؛ به نظرم فردی کاربلد و با روحیه‌ای لطیف و هنرمندانه بودند و همین ویژگی‌ها باعث شد همکاری با ایشان را بپذیرم. علاوه بر آن، جنبه بی‌خیالی کاراکتر خسرو و بی‌توجهی‌اش به همسرش از بخش‌هایی بود که برایم جالب بود و مرا به بازی در این نقش ترغیب کرد. البته من دوست داشتم وجه طنزی که در گفتار خسرو وجود داشت را پررنگ‌تر کنم، اما آقای راضی با این رویکرد موافق نبودند.

در موقعیتی که خسرو گرفتار شده و تنها راه‌هایی او کاراکتر مادر است، تلاش زیادی از سمت شما (کاراکتر خسرو) برای ایجاد ارتباط وجود دارد. این صحنه با چه اتفاقاتی پیش رفت؟

بازیگر نقش مادر، مادر خانم نوروزی فرد بودند که اصلاً بازیگر حرفه‌ای نبودند و با زحمت ایشان را برای حضور در فیلم راضی کرده بودند و برعکس نقش و کاراکتر، بسیار سرحال، شوخ‌طبع، بامزه و پر انرژی بودند. ایشان چون به بازیگری علاقه‌ای نداشتند، گاهی اذیت می‌شدند. مثلاً چند بار صحنه را تکرار می‌کردیم و بعد می‌گفتند: «من خسته شدم، می‌خواهم بروم خانه!» ما هم دنبالشان می‌رفتیم و با خواهش و تمنا می‌خواستیم که بمانند. گاهی هم وسط بازی ناگهان حرف می‌زدند و... لحظه‌های بسیار بامزه و شیرینی بود. ایشان واقعاً بسیار دوست‌داشتنی، خوش‌انرژی و سرحال بودند و حضورشان فضای شاد و گرمی به پشت صحنه می‌داد.

سخن پایانی

بدون هیچ نظر شخصی، فکر می‌کنم «چای سرد» فیلم جالبی است و به کسانی که به سینما علاقه دارند پیشنهاد می‌کنم آن را ببینند و از سینمای مستقل حمایت کنند. فکر می‌کنم وقتشان هدر نمی‌رود، فیلم خوبی است و لذت می‌برند. به ویژه به کسانی که مدام گلایه می‌کنند و می‌گویند فیلم‌های سینمایی بدنه تکراری شده و به این علت با سینما قهر کرده‌اند، می‌گویم که بخشی به نام هنر و تجربه دقیقاً همان نوع فیلم‌هایی را ارائه می‌دهد که آن‌ها دنبالش هستند. می‌توانند به تماشای این فیلم‌ها بیایند و از این نوع سینما حمایت کنند.

پویان مکر، بازیگری که مسیرش از پشت میز بانک تا صحنه تئاتر و پرده سینما را با جسارت و پشتکار پیموده، این روزها با فیلم سینمایی «چای سرد» به کارگردانی امیر قاسم راضی روی پرده است؛ فیلمی از جنس سینمای مستقل که در آن، او نقش مردی به نام «خسرو» را ایفا می‌کند؛ شخصیتی در مرز میان بی‌خیالی و اضطراب، میان سکوت و فریاد، و میان شوخی و فروپاشی. مکر در گفت‌وگو با صبا از دشواری‌های ارتباط با دیالوگ‌هایی سخن می‌گوید که به گفته او «خیلی سخت جا می‌افتادند»، از صحنه طاقت‌فرسای گیر افتادن در سوراخی که هم فیزیکی دردناک بود و هم روانی، و از تجربه بازی در کنار بازیگری غیرحرفه‌ای که «با شوخ‌طبعی و سرزندگی‌اش» پشت صحنه را روشن می‌کرد. او که پیش‌تر با فیلم کوتاه «زندگی برای همه» در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور داشت، این بار در اثری ظاهر شده که به‌عزم خودش «برای علاقه‌مندان به سینمای متفاوت، ارزش تماشا دارد». مکر با لحنی صادقانه تأکید می‌کند: «چای سرد فیلمی است که وقتتان را هدر نمی‌دهد، اگر از تکرار سینمای بدنه خسته شده‌اید، اینجا همان جایی است که باید باشید.»

مریم عظیمی
گفت‌وگو



بسیاری از آن‌ها سخت بود. اما برای نزدیک شدن به نقش، با تمرین و کمک کارگردان، صحنه به صحنه پیش رفتیم. با ایشان گفت‌وگوهای زیادی داشتیم و متوجه شدیم که هر دو به یک نوع کاراکتر فکر می‌کنیم حتی در گفت‌وگوهای دوستانه نیز اگر نکته‌ای می‌توانست مرا به خسرو نزدیک‌تر کند، مطرح میشد. در واقع به شکل دوستانه و در عین حال حرفه‌ای با این نقش رسیدیم.

صحنه طولانی گیر افتادن کاراکتر خسرو، هم از لحاظ فیزیکی و هم حسی چه چالش‌هایی داشت؟

آن صحنه یکی از سخت‌ترین روزهای فیلم برداری برای من بود؛ چون از نظر فیزیکی باید دستم مدت زیادی داخل آن سوراخ و بدنم در همان وضعیت ثابت می‌ماند. تصور کنید روی زمین خوابیده‌اید و چند نفر بالای سرتان، با نور و تجهیزات و... رفت و آمد می‌کنند. البته خود وضعیت فیزیکی سخت بدن روی اجرا اثر می‌گذاشت و من از اینکه در وضعیت دشواری قرار داشتم، ناراحت نبودم. چون همان سختی به من کمک می‌کرد که زجر و درد را بهتر در بدن و ذهنم منعکس کنم. از برخی تکنیک‌های بازیگری مثل استفاده از حافظه احساسی و روش‌های مشابه هم بهره بردم تا بتوانم به آنچه در ایفای نقش نیاز داشتم برسم. با این حال، روزهای بسیار سختی بود.



بازیگری را چگونه آغاز کردید؟
من قبلاً کارمند بانک بودم. حدود ده سال پیش، یک روز تصمیم گرفتم از کارم استعفا بدهم و به کلاس‌های بازیگری بروم. در مؤسسه‌ی کارنامه ثبت‌نام و از همان‌جا کارم را شروع کردم. بعد از گذراندن دوره‌ها، دو نمایش را خودم ترجمه، کارگردانی و بازی کردم. کم‌کم مسیر کارم به آرامی اما پیوسته، با تئاتر، فیلم کوتاه و تجربه‌های متنوع دیگر در حوزه بازیگری پیش رفت.

بازی شما در فیلم «چای سرد» روی مرز خاصی حرکت می‌کند. اگرچه در آغاز به نظر می‌رسد که کاراکتر خسرو زندگی را بر خلاف حرفه‌اش چندان جدی نمی‌گیرد، اما هرچه پیش می‌رویم، می‌بینیم که زندگی برایش جدی‌تر می‌شود تا لحظه‌ای که پایان او رقم می‌خورد. برخورد اولیه شما با این کاراکتر چگونه بود؟

چالش برانگیزترین امر این بود که آقای راضی، کاراکتر خسرو را هم‌سن و سال خودشان در نظر گرفته و بر همین اساس نوشته بودند به همین دلیل دیالوگ‌ها خیلی سخت جا می‌افتاد. از طرفی ایشان به شدت اصرار داشتند که دقیقاً عین همان دیالوگ‌ها گفته شود. بنابراین گفتن آن دیالوگ‌ها برایم دشوار بود، چون ارتباط برقرار کردن با



فیلمچه